



درباره‌ی جهش بزرگ به پیش

تا به امروز محبوب‌ترین روش برای تحقیر غیرمعمول جمهوری خلق چین و سابقه حزب کمونیست چین، استناد به جنایات ادعایی مائو تسه تونگ است که از اوایل دهه 1930 تا زمان مرگش در سال 1976، عموماً به عنوان رهبر ارشد شناخته می‌شد.

اگر از زمان انقلاب چین، حزب کمونیست تا این حد خود را سرگرم بهبود وضعیت مردم چین کرده بود، چرا دست به کارزارهای فاجعه‌باری مانند جهش بزرگ به پیش و انقلاب فرهنگی زد؟ در این نوشته در تلاش هستیم این موضوع را قدم به قدم بررسی کنیم.

جهش بزرگ به پیش که در سال 1958 کلید خورد، یک برنامه جاه طلبانه بود: برنامه ای برای دستیابی به صنعتی شدن و جمعی سازی سریع. تسریع در ساخت سوسیالیسم و اجازه دادن به چین برای شکست نهایی توسعه نیافتگی و فقر چند صد ساله.

همان گونه که مائو گفته بود:

می بایست فاصله‌ی میان چین و ایالات متحده را ظرف پنج سال کم کنیم و در نهایت در عرض هفت سال از ایالات متحده پیشی بگیریم.

مائو در استراتژی اقتصادیش نشان داد که «صنعتی شدن شهری به سبک شوروی» در چین موفقیت آمیز نیست.

ویجی پراشاد، مارکسیست هندی، جهش بزرگ را به عنوان «تلاشی برای آوردن صنایع کوچک به مناطق روستایی» توصیف می کند. مائو معتقد بود روستاها بار دیگر به «منبع واقعی تحول اجتماعی انقلابی» و «عرصه بنیادینی که در آن مبارزه برای دستیابی به سوسیالیسم و کمونیسم تعیین می شود» تبدیل خواهد شد.

تجمیع کشاورزی به سرعت انجام شد و جذابیت گسترده ای برای روحیه انقلابی توده ها به وجود آورد. جی چائوزو (در آن زمان مترجم وزارت امور خارجه و بعداً سفیر چین در بریتانیا (1987-1991)) در خاطرات خود می نویسد:

دهقانان زمین های کوچکی از خود باقی گذاشتند، آن هم فقط برای کشاورزی معیشتی. هر فعالیتی برای منافع جمعی بود و به طور مساوی تقسیم می شد. قرار بود کادرها در مزارع، کارخانه ها و کارگاه های ساختمانی به دهقانان بییوندند. حتا خود صدر مائو نیز در یک پروژه سدسازی ظاهر شد تا با بیلی در دست عکس آش را بگیرد.

جهش بزرگ به طور کلی موفقیت آمیز نبود. لیو مینگ فو مینوبسد «جهش بزرگ هدف جلو زدن از بریتانیا و ایالات متحده را محقق نکرد. در واقع اقتصاد چین را به رکود کشاند. این امر باعث تعداد زیادی مرگ و میر غیرطبیعی شد و سهم جهانی چین از تولید ناخالص داخلی را کاهش داد.»

اختلال در ساختار اقتصادی جامعه، همراه با خروج ناگهانی کارشناسان شوروی در سال 1960 و مجموعه ای از خشکسالی ها و سیل های وحشتناک، باعث شد محصولات ضعیفی تولید شوند. در همین حال با میلیون ها دهقان که برای کار در کارخانه ها به شهرها فرستاده شده بودند «کسی برای درو کردن و خرمن زدن در دسترس نبود».

از آن طرف، جهش بزرگ عیب دیگری هم داشت؛ و آن فرصت طلبی بعضی اعضای حزب بود. مثلاً شخصی به اسم «جانگ جی جونگ» وضع روستاها را برای مائو چنین توصیف کرد: «وضع کشور بسیار عالی ست و مردم احساس امنیت می کنند.»

از آن سو، آفت دیگر جهش بزرگ اطلاعات غلطی بود که در ثبت محصولات انجام می شد. اطلاعاتی که گاه به طور عمد غلط اعلام می شد. (به همان دلیلی که در بالا اشاره شد.) و اگر معلوم می شد دروغ گفته اند، می گفتند محصولاتشان آفت زده، یا آب و هوای بد باعث نابودی مقداری از آن ها شده است.

برای مثال دبیر حزب کمونیست استان هویی دستور داده بود تا نهال های برنج را از کشتزار های دوردست آورده و در زمین های دو سوی مسیر قطاری که مائو در آن برای بازدید از زمین ها آمده بود بکارند تا رهبر خیال کند اوضاع خوب است.

البته برخی از اهداف جهش بزرگ محقق شد - به ویژه آبیاری زمین های قابل کشت. با این حال به هدف کلی خود نرسید و در طول اجرایش اختلالاتی به جامعه وارد کرد که تا زمان لغو آن در سال 1962، جامعه را در بر گرفته بود.

این یک موضوع بسیار بحث برانگیز در تاریخ چین باقی مانده است. برای ضد کمونیست ها، جهش بزرگ مدرک غیرقابل انکاری در مورد ماهیت هیولایی و قاتلانانه حزب کمونیست چین - به ویژه مائو تسه تونگ - است.

نکته ی دیگری که بسیار در مورد آن صحبت می کنند، قحطی ناشی از جهش بزرگ بوده است. به نظر می رسد که مورخان بورژوازی غربی به رقم 30 میلیون نفر برای تعداد تخمینی از دست رفته در قحطی ناشی از جهش بزرگ رضایت داده اند.

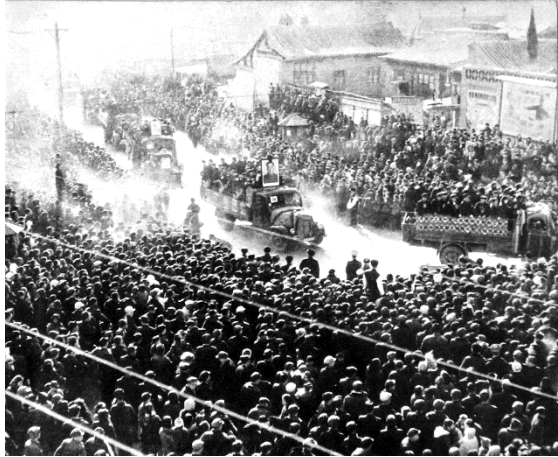
اوتسا پاتنایک، اقتصاددان هندی، بر اساس یک تحلیل آماری دقیق به این نتیجه می رسد که: نرخ مرگ و میر در چین، از هر 12 کشته از بین هزار نفر در سال 1958 (یک رقم پایین تاریخی ناشی از اصلاحات ارضی و گسترش خدمات اولیه پزشکی در سراسر کشور) به اوج 25.4 در هر هزار نفر در سال 1960 رسید.

«اگر نرخ بسیار پایین مرگ و میر 12 نفر در هزار را که چین تا سال 1958 به آن دست یافته بود، به عنوان معیار در نظر بگیریم، و مرگ و میر بیش از این را در دوره 1959 تا 1961 محاسبه کنیم، در مجموع مرگ و میر به 11.5 میلیون نفر می رسد. این حداکثر برآورد احتمالی «مرگ های قحطی» است.»

پاتنایک می نویسد که حتا اوج میزان مرگ و میر در سال 1960 «با نرخ مرگ و میر 24.8 در هر هزار نفر هند در همان سال تفاوت کمی داشت، رقمی که کاملاً عادی تلقی می شد و برای همین هیچ انتقادی را بر نینگیخت.»

این نکته ی مهمی است. سوءتغذیه آن زمان یک بلا در سراسر جهان در حال توسعه بود. تاریخ چین مملو از قحطی های وحشتناک است، از جمله در سال های 1907، 1928 و 1942. اما تنها در دوران مدرن، تحت رهبری همین حزب کمونیست «هیولا صفت» است که سوءتغذیه در چین دیگر تکرار نشد!

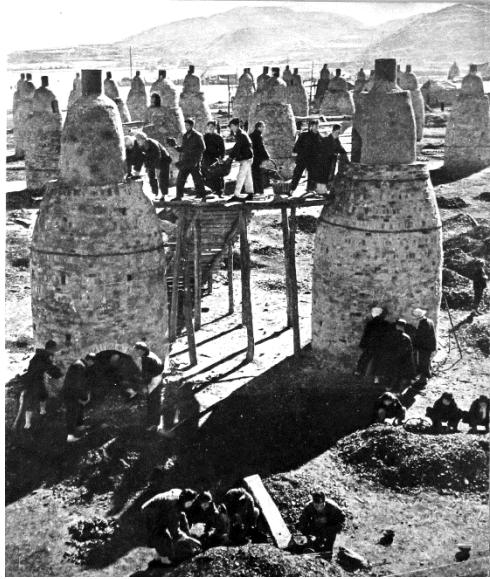
به عبارت دیگر، شکست جهش بزرگ توسط دانشگاهیان بورژوا بدبینانه دستکاری شده است تا کل تاریخ انقلاب چین را تحقیر کنند. جهش بزرگ جنایت ظالمانه علیه بشریت نبود. این تلاشی مشروع برای تسریع در ساختن یک جامعه سوسیالیستی مرفه و پیشرفته بود. اما به دلیل کاستی های ش کنار گذاشته شد.



اعزام مقامات دولتی برای کار در روستا، 1957

گاری های انتقال فولاد، 1957





کوره های بلند خاکی که در اواسط اکتبر 1958 ساخته شدند.

اعضای کمون مشغول کار در شب، به کمک لامپ ها



کانال تلگرامی زنجره: @zanjarehh